
بررسی روایات تعیین روز ظهور

سید علی اکبر ربیع نتاج*
سید محسن موسوی**
علی تفریحی***

◀ چکیده:

تصریح برخی از روایات مشهور میان عرف خاص و عام آن است که امام زمان علیه السلام در روز جمعه ظهور می کند؛ اما روایاتی دیگری نیز هست که صراحت در ظهور آن حضرت در روز شنبه دارد. پرسش این است که کدام یک از این دو دسته از روایات معتبر است؟ بررسی های انجام شده در این مقاله نشان می دهد که علی رغم شهرت روز جمعه، براساس اسناد، امکان تحقق ظهور در روز شنبه بیشتر است، در عین حال که می توان میان این دو دسته از روایات را به نوعی جمع کرد. این مقاله با روش تحلیلی توصیفی و تتبع در همه روایات بیانگر روز ظهور و اعتبارسنجی سندی و متنی آن ها توانسته میان این دو دسته از روایات را جمع کند، به گونه ای که می توان ادعا کرد روز جمعه روز ظهور برای خواص و روز شنبه روز ظهور برای عموم مردم است.

◀ کلیدواژه ها: ظهور، جمعه، شنبه، فقه الحدیث، قیام.

* دانشیار دانشگاه مازندران / sm.rabinataj@gmail.com

** استادیار دانشگاه مازندران / sm.musavi.55@gmail.com

*** دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران / alitafrihi@gmail.com

درآمد

انسان گاه در منابع مکتوب و غیرمکتوب یا در افواه اهل علم، با جملات مشهوری به اسم حدیث مواجه می‌شود که قاطبه اهل تحقیق و تدقیق را از تفحص در اصالت آن‌ها منصرف ساخته است؛ اما هنگامی که به منابع معتبر حدیثی مراجعه می‌شود، اثری از آن‌ها یافت نمی‌شود. از باب نمونه می‌توان به جمله منسوب به پیامبر ﷺ که «هرکس مرا به خروج ماه صفر بشارت دهد، من او را به بهشت بشارت می‌دهم» یا «حسنات الابرار سیئات المقربین» اشاره کرد.

این مشهورات گاه در قالب یک کلام مطرح‌اند، مانند نمونه‌هایی که ذکر شد و گاه در قالب یک تفکر، باور و اندیشه که تصور می‌شود، منشأ دینی دارد؛ مانند عطسه را نشانه صبر دانستن که در میان عوام از مردم مطرح است.

یکی از این باورها که هم شهرت سابقه‌دار و هم دامنه گسترده‌ای در میان آحاد جامعه مهدوی دارد، مسئله تعیین روز ظهور امام زمان ﷺ در روز خاصی از روزهای هفته است. در میان عامه مردم و عموم خواص، چنین مشهور است که روز ظهور امام زمان ﷺ، روز جمعه است. خطابه‌ها و رسانه‌ها، مطبوعات و منشورات، اهل قلم و اهل هنر، همه و همه، با این مدعای مشهور هم‌نوا هستند. این مسئله چنان شهرت دارد که در نگاه قریب به اتفاق منتظران و آحاد جامعه منتظر از مسلمات و قطعیات تردیدناپذیر محسوب می‌شود. اشعار معروف شاعران معاصر، مانند «شاید این جمعه بیاید شاید...»، «باز به انتظار تو جمعه غروب می‌شود»، از یک سو بیانگر صحت مدعاست و از دیگر سو، با اقبال گسترده‌ای که این اشعار در سطح جامعه روبه‌رو شده، خود، نظریه تحقق ظهور در روز جمعه را در لایه‌های مختلف جامعه تعمیق مضاعف بخشیده است.

سؤال مطرح این است که آیا در روایات وارده از سوی معصومین علیهم‌السلام برای ظهور امام زمان ﷺ روز خاصی از ایام هفته مطرح شده است؟ اگر مطرح شده است، آن روز چه روزی است؟ جمعه یا شنبه یا روزی دیگر از ایام هفته؟ اصولاً منشأ قول به ظهور در روز جمعه و شهرت آن چیست؟ و بالاخره آنکه می‌دانیم امام زمان ﷺ در یکی از ایام هفته ظهور خواهند کرد، اصولاً دانستن اینکه امام زمان ﷺ در جمعه ظهور

خواهند کرد یا شنبه یا روزی دیگر از روزهای هفته چه فایده‌ای دارد؟
تلاش می‌کنیم تا در این نوشتار، پاسخ این پرسش‌ها را با استفاده از منابع معتبر
روایی ارائه کنیم.

1. پیشینه بحث

بررسی‌های انجام‌شده توسط نگارندگان نشان می‌دهد که موضوع روز ظهور تاکنون به
عنوان یک موضوع مستقل در قالب کتاب یا مقاله معتبر علمی، بررسی و تحلیل نشده
است. منابع حدیثی تنها به ذکر روایات روز ظهور در ضمن ابواب دیگر پرداخته‌اند. در
سال‌های اخیر که مباحث مهدویت رو به فزونی نهاده، در کنار نگاه سایر مباحث
مهدویت، بعضاً اشاراتی تحلیلی‌گونه به مباحث روز ظهور نیز شده است؛ از جمله علامه
کورانی در کتاب *عصر ظهور* (1379 ش، ص 321)، آیت‌الله محمدجواد خراسانی در
کتاب *مهدی منتظر* (1388، ص 243) و *مجتبی السادة* (1388 ش، ص 165) در کتاب
الفجر المقدس المهدی و *ارهاصات الیوم الموعود* که با عنوان شش ماه پایانی به
زبان فارسی ترجمه شده است.

آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در کتاب *منتخب الاثر* (1421 ق، ص 574)، یک باب را
که مشتمل بر هفت روایت است، به سال، ماه و روز ظهور اختصاص داده‌اند؛ البته در
فضای مجازی در این زمینه، مطالب گوناگون و پراکنده‌ای منتشر شده و می‌شود که
غالب این مطالب چون غیرمسند و غیرعلمی است، ارزش استناد ندارد.

2. روایات وارده درباره روز ظهور و منابع آن‌ها

2.1. روایات بیانگر تحقق ظهور در روز جمعه

2.1.1. روایت خصال

در این زمینه، فقط یک روایت وجود دارد که شیخ صدوق در کتاب *الخصال*، ذیل باب
«آنچه درباره روز شنبه رسیده» آورده است. متن این روایت چنین است: «حَدَّثَنَا أَبِي
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَمِيرٍ
عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: السَّبْتُ لَنَا وَالْأَحَدُ لِشِيعَتِنَا وَالْإِثْنَيْنِ لِأَعْدَائِنَا وَ
الثَّلَاثَاءُ لِبَنِي أُمَيَّةَ وَالْأَرْبَعَاءُ يَوْمَ شُرْبِ الدَّوَاءِ وَالْخَمِيسُ تُقْضَى فِيهِ الْحَوَائِجُ وَالْجُمُعَةُ
لِلتَّنْظُفِ وَالتَّطْيِبِ وَهُوَ عِيدُ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْفِطْرِ وَالْأُضْحَى وَ يَوْمُ الْعَدِيرِ

أَفْضَلُ الْأَعْيَادِ وَ هُوَ ثَامِنَ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَ كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَ يَخْرُجُ قَائِمًا أَهْلَ الْبَيْتِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.»

شنبه از ماست و یکشنبه از آن شیعیان ما، دوشنبه از آن دشمنان ما، سه‌شنبه از آن بنی امیه، چهارشنبه روز آشامیدن داروست، روز پنجشنبه حاجت‌ها برآورده می‌شود و جمعه برای پاکیزه شدن و عطر زدن است. جمعه، عید مسلمانان است و از عید فطر و قربان بهتر است. بهترین عیدها روز غدیر است که روز جمعه هجدهم ذی‌الحجه بوده است. قائم ما اهل بیت، در روز جمعه ظهور می‌کند. (ابن بابویه، 1362ش، ج 2، ص 394)

بررسی روایان:

علی بن الحسین بن بابویه (پدر شیخ صدوق): ثقة. (طوسی، 1373ش، ص 273)

سعد بن عبدالله القمی: ثقة. (همان، ص 215)

یعقوب بن یزید الکاتب: ثقة. (همان، ص 393)

محمد بن ابی عمیر: کان من أوثق الناس عند الخاصّة و العامّة. (همان، ص 215)
چنان‌که ملاحظه می‌شود، تمام روایان حدیث فوق، ثقة هستند. در ظاهر اشکالی در سند حدیث نیست مگر لفظ «عن غیر واحد» که ابن ابی عمیر از آن‌ها نقل کرده، در سند روایت مبهم است.

ابن ابی عمیر از اصحاب اجماع است. (کشی، 1348ش، ص 557) عده‌ای از محدثان یکی از معیارهای وثاقت و حسن راوی را نقل یکی از اصحاب اجماع از وی می‌دانند؛ هرچند آن راوی، ضعیف یا مجهول باشد. (حر عاملی، 1409ق، ج 30، ص 245) بر این اساس، مصادیق «عن غیر واحد» هر کس که باشد، حکم به توثیق آن‌ها می‌شود. لکن برخی از بزرگان علم رجال مانند آیت‌الله خویی این ملاک را قبول ندارد. مرحوم خویی می‌گوید: «اصل ادعای اجماع بر این اشخاص از سوی کشی در کتاب رجالش مطرح شده است... ظاهراً کلام کشی ناظر بر این نیست که روایت هریک از اصحاب اجماع از معصومین علیهم‌السلام حتی اگر مرسل و مروی از فردی ضعیف و مجهول باشد، صحیح است، بلکه کلام کشی اولاً ناظر بر عظمت مقام و منزلت این افراد است، ثانیاً ادعای اجماع در مورد اصحاب اجماع تنها بر وثاقت، فقاقت و صداقت خود این افراد

در آنچه روایت می‌کنند، دلالت دارد و معنای این حرف آن است که در بیان اخبار و روایات نمی‌توان آن‌ها را متهم به کذب کرد. این کجا و اینکه گفته شود: «هرچه را اینان از معصوم روایت کنند، محکوم به صحت است؛ هرچند واسطه، مجهول و ضعیف باشد!» کجا؟ (خویی، 1410ق، ج 1، ص 61)

و در جایی دیگر از کتاب معجم رجال الحدیث می‌گوید: بارها ذکر کردیم که روایت ابن ابی عمیر یا یکی از اصحاب اجماع از یک شخص، بر وثاقت آن شخص دلالت نمی‌کند. (همان، ج 19، ص 172)

بنابراین از نظر سند، این حدیث خدشه‌بردار است.

از نظر متن نیز دو اشکال اساسی بر حدیث وارد است: یکی اینکه در آن آمده است که روز یکشنبه روز شیعیان ماست؛ درحالی‌که خود مرحوم صدوق در کتاب من لا یحضره الفقیه و پیش از او احمد بن محمد بن خالد برقی در محاسن، به نقل از امام صادق علیه السلام آورده‌اند که روز یکشنبه روز بنی‌امیه است. (ابن بابویه، 1413ق، ج 1، ص 425/ برقی، 1371ق، ج 2، ص 346) و در حدیث منقول از خصال، روز یکشنبه به امیرالمومنین علیه السلام اختصاص داده شده است. (همان، ج 2، ص 396)

از مجموع آنچه گفته شد، حاصل می‌شود که این روایت از نظر سند، مرسل و منقطع و از نظر متن خدشه‌دار است و چنین روایتی در شمار روایات ضعیف است.

2.1.2. زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه

چنان‌که گذشت، درباره وقوع ظهور در روز جمعه، تنها یک روایت وارد شده است. اما در زیارت مخصوص امام زمان علیه السلام در روز جمعه، فرازی وجود دارد که آن نیز اشاره به وقوع ظهور در روز جمعه دارد. فراز مذکور چنین است: «... یا مَوْلای یا صَاحِبَ الزَّمانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ عَلَى آلِ بَيْتِكَ، هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ وَ هُوَ يَوْمُكَ الْمُتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ.» (ابن طاووس، 1330ق، ص 38)

اصل این زیارت را سید بن طاووس در کتاب جمال الاسبوع آورده است. در این فراز از زیارت اشاره شده به اینکه روز جمعه روزی است که انتظار ظهور امام زمان علیه السلام در آن می‌رود. سید بن طاووس این زیارت و زیارت سایر معصومین علیهم السلام را پس از ذکر روایتی می‌آورد که در آن، امام هادی علیه السلام در توضیح روایت نبوی صلی الله علیه و آله «لا

تعادوا الايام فتعاديكم» بیان فرمودند که منظور از ایام، ما هستیم؛ شنبه اسم رسول خدا ﷺ و یکشنبه کنایه از امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا آنکه فرمود: جمعه، اسم فرزند فرزند من [مهدی] است و فرمود: این معنای ایام است پس با ایشان در دنیا دشمنی نکنید تا در آخرت با شما دشمنی نکنند. آنگاه امام (علیه السلام) خطاب به صقر بن ابی ذلف که این سخنان را در زندان برای او بیان می‌کرد، فرمود که خداحافظی کن و خارج شو که من بر تو ایمن نیستم. (همان، ص 25-27) اصل این روایت را سید بن طاووس از کتاب *حصال* نقل می‌کند. (ابن بابویه، 1362 ش، ج 2، ص 395) وی پس از ذکر این روایت، بلافاصله به ذکر زیارت هریک از معصومین (علیهم السلام) در روز منسوب به آنها بدون هیچ سندی می‌پردازد و هیچ قرینه‌ای چه در این کتاب و چه در سایر منابعی که این روایت در آنها ذکر شده، دال بر اینکه این زیارات، ادامه کلام امام هادی (علیه السلام) است، وجود ندارد. بنابراین باید دید که سید این زیارات را از چه منبعی ذکر کرده است و سند این زیارات به چه کسی منتهی می‌شود؟

با جست‌وجو در آثار ابن طاووس درمی‌یابیم که هیچ سندی برای این دعا وجود ندارد، اما تتبع در آثار دعایی ابن طاووس نشان می‌دهد که وی در مواردی، دعاهایی را نقل می‌کند که خود انشا کرده است. اصل و قاعده در ذکر دعا برای ابن طاووس، نقل قابل اعتماد از معصومان (علیهم السلام) است، ولی در بعضی موضوعات که دعای خاصی از معصوم وارد نشده است، خود به الهام الهی به انشای دعا پرداخته و این چیزی است که خود به آن تصریح دارد. مثلاً در باب دعای رؤیت هلال ماه ذی‌الحجه می‌گوید: «در این باره دعای مخصوصی نیافتیم، لذا برای آن با دلالت الهی دعایی انشا کردیم.» (ابن طاووس، 1376 ش، ج 2، ص 31) یا در مقدمه کتاب *الأمان من أخطار الأسفار والأزمان* می‌فرماید: «بخشی از دعاهای این کتاب، دعاهایی منقول (از معصومین) است که من به آنها دست یافتم و انسان در مهمات امورش به آنها احتیاج پیدا می‌کند، ولی اگر در مواردی دعایی نمی‌یافتیم، خودم آن را انشا می‌کردم و این از مواهب خداوند جلیل و کریم است که *عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ*» (همو، 1409 ق، ص 19)

بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که دعاهایی که ابن طاووس بدون هیچ سندی ذکر کرده‌اند، احتمالاً از انشاهای خود اوست و زیارات وارده برای هریک از

معصومین علیهم السلام در هریک از روزهای ایام هفته از این نوع هستند. بنابراین، برای زیارت امام زمان علیه السلام در روز جمعه، سند محکمی موجود نیست.

2.2. روایات بیانگر تحقق ظهور در روز شنبه

در این زمینه مجموعاً پنج روایت وجود دارد که عبارت‌اند از:

1. «حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِدْرِيسَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصير قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام». (ابن بابویه، 1395ق، ج 2، ص 654)

امام باقر علیه السلام فرمود: قائم در روز شنبه که [مصادف با] روز عاشورا است، قیام خواهد کرد؛ همان روزی که حسین علیه السلام در آن کشته شد.

این روایت با طریقی دیگر چنین آمده است: «أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ ابْنِ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي بصير عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: يَخْرُجُ الْقَائِمُ عليه السلام يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ الْيَوْمِ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ عليه السلام». (شیخ طوسی، 1407ق، ج 4، ص 333)

2. «الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِي الكُوفِيِّ عَنْ وَهيبِ بْنِ حَفْصِ عَنْ أَبِي بصير قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: يَنَادِي بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام فِي لَيْلَةِ ثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ وَيَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِي عليه السلام. لَكَانِي بِهِ فِي يَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ جَبْرئِيلُ عليه السلام عَنْ يَدِهِ الْيَمْنَى يَنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَتَصِيرُ إِلَيْهِ شَيْعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوِّى لَهُمْ طَبًا حَتَّى يَبَايَعُوهُ فَيَمْلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا». (مفید، 1413ق، ج 2، ص 379/ اربلی، 1405ق، ج 3، ص 342)

امام صادق علیه السلام فرمودند: در شب بیست و سوم [رمضان] به اسم قائم ندا می‌شود و در روز عاشورا، همان روزی که حسین بن علی علیه السلام در آن کشته شد، قیام خواهد کرد. گویا من در روز شنبه دهم محرم او را می‌بینم که بین رکن و مقام، درحالی‌که جبرئیل علیه السلام در جانب راستش ایستاده، ندا می‌کند: «البيعة لله». شیعیان او از سراسر عالم چنان‌که گویی زمین در زیر پای ایشان پیچیده می‌شود، به سویش می‌شتابند تا با او

بیعت کنند. پس خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که پر از ظلم و جور شده است.

3. «أَفْضَلُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حَيِّ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عليه السلام: كَأَنِّي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ السَّبْتِ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جَبْرِئِيلُ عليه السلام يَنَادِي الْبَيْعَةَ لِلَّهِ فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا.» (طوسی، 1411ق، ص 453)

امام هادی عليه السلام فرمودند: گویا من قائم را در روز عاشورا که روز شنبه است، بین رکن و مقام می‌بینم، درحالی که جبرئیل عليه السلام در برابرش ایستاده ندا می‌کند: «البيعة لله». پس خداوند به وسیله او زمین را پر از عدل و داد می‌کند، چنان‌که پر از ظلم و جور شده است.

4. «أَخْرَجَ أَبُو الْعَبَّاسِ الدَّمَشَقِيُّ الْقُرْمَانِي فِي كِتَابِ أَخْبَارِ الدُّوَلِ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتَرٍ مِنَ السَّنِينِ؛ سَنَةِ أَحَدِي أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْعٍ، وَ يَقُومُ فِي يَوْمِ عَاشُورَاءَ، وَ يَظْهَرُ يَوْمَ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمَحْرَمِ.» (قرمانی، بی تا، ج 1، ص 354)

امام صادق عليه السلام فرمود: قائم جز در سال‌های فرد مانند یکم، سوم، پنجم، هفتم و نهم خروج نمی‌کند و در روز عاشورا قیام کرده و در روز شنبه دهم محرم ظهور می‌کند.
5. «وَ جَاءَتْ الْأَخْبَارُ عَنْهُمْ عليهم السلام: إِنَّ صَاحِبَ الزَّمَانِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَخْرُجُ فِي وَتَرٍ مِنَ السَّنِينِ تِسْعٍ أَوْ سَبْعٍ، أَوْ خَمْسٍ أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ أَحَدِي. وَ يَقُومُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ السَّبْتِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ.» (طبرسی، 1422ق، ص 115)

از امامان معصوم نقل شده است که فرمودند: همانا صاحب الزمان عليه السلام در سال‌های فرد مانند نهم، هفتم، پنجم، سوم یا یکم قیام می‌کند و قیامش در روز شنبه است.

بررسی راویان

احمد بن إدريس (أبو علي الأشعري القمي): «كان ثقة في أصحابنا فقيها كثير الحديث صحيح الرواية، ... أعتد علي روايته.» (حلی، 1411ق، ص 16)

حسین بن احمد بن إدريس: «هو من مشايخ الصدوق عليه السلام ترضى عليه في موارد كثيرة.» (خویی، 1410ق، ج 5، ص 190)

احمد بن محمد بن عیسی الأشعری القمی: ثقة. (خوبی، 1410ق، ج 2، ص 296)
 كان ثقة في الحديث سالما خيراً. (نجاشی، 1365ش، ص 94)
 الحسين بن سعيد الأهوازی: ثقة. (حلی، 1411ق، ص 49)
 علی بن ابي حمزه [البطائنی]: واقفی (طوسی، 1420ق، ص 339)، كذاب
 ملعون (كشی، 1348ش، ص 552) متروك الروايه (ابن داود، 1342ق، ص 237) لا
 مضايقة من قوله بالحق قبل وفاة موسى بن جعفر عليه السلام. (خوبی، 1410ق، ج 11، ص 224)
 علی بن حکم: ثقة جلیل القدر. (حلی، 1411ق، ص 93/ طوسی، 1420ق، ص 264)
 الفضل بن شاذان: ثقة. (نجاشی، 1365ش، ص 307)
 محمد بن علی الكوفی: ضعيف جداً، فاسد الاعتقاد. (نجاشی، 1365ش، ص 333)
 وهيب بن حفص: وقف و كان ثقة. (همان، ص 431/ خوبی، 1410ق، ج 19،
 ص 215)

ابوبصير الأسدی: ثقة. (نجاشی، 1365ش، ص 441)

محمد بن سنان: ممدوح. (خوبی، 1410ق، ج 16، ص 160)

علی بن مهزیار الأهوازی: كان ثقة في روايته. (نجاشی، 1365ش، ص 254)

حی بن مروان: در هیچ یک از کتب رجالی، ذکری از وی نشده است. از این
 شخص، فقط همین یک روایت در کتاب الغیبة شیخ طوسی وارد شده است. علامه
 مجلسی هم همین روایت را از شیخ طوسی در بحار الانوار آورده است. بنابراین، از
 نظر رجالی، وی شخصی مهم است.

تحلیل و بررسی روایات دسته دوم

1. این روایات در مجموع از سه تن از معصومین علیهم السلام نقل شده است. روایت اول از
 ابوجعفر، امام باقر علیه السلام، روایت دوم و چهارم از امام صادق علیه السلام و روایت سوم از
 ابوجعفر که منظور امام هادی علیه السلام است، زیرا علی بن مهزیار از اصحاب امام رضا، امام
 جواد و امام هادی علیهم السلام است و امام باقر علیه السلام را ملاقات نکرده است. روایت پنجم هم
 منسوب به معصومین است بدون آنکه نام معصوم مشخصی ذکر شده باشد؛ هرچند
 احتمال قوی می رود که خارج از همین سه معصوم نباشد.

2. روایات اول تا سوم مسند و روایات چهارم و پنجم مرفوع اند و روایات مرفوع

در شمار روایات ضعیف قرار می‌گیرند.

3. راویان روایات یکم تا سوم همگی ثقه هستند، جز اینکه در هر روایت یک راوی مجروح وجود دارد؛ در روایت اول، علی بن ابی حمزه، واقفی مذهب و ضعیف است. در روایت دوم، محمد بن علی کوفی هست که ضعیف و فاسد الاعتقاد است و در روایت سوم، حی بن مروان مجهول است.

4. درباره علی بن ابی حمزه، آیت‌الله خوئی روایاتی را که وی قبل از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل کرده است، صحیح و پذیرفته می‌داند. (خوئی، 1410ق، ج 11، ص 224) و از طرفی با توجه به اینکه ابوبصیر در سال 150 قمری (نجاشی، 1365ش، ج 48، ص 1) پیش از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام در سال 183 قمری (طبرسی، 1390ق، ص 294 و 1422ق، 96) وفات کرده است، به نظر می‌رسد روایت علی بن ابی حمزه از ابوبصیر، پیش از شهادت امام موسی بن جعفر علیه السلام باشد؛ بنابراین، ضعف روایت اول جبران شده و در شمار روایات معتبر قرار می‌گیرد.

5. در روایات سه تعبیر مختلف برای بیان نهضت مهدوی استفاده شده است؛ تعبیر «خروج» که مقید به سال‌های فرد است، تعبیر «قیام» که مقید به عاشورا شده و تعبیر «ظهور» که مقید به روز شنبه شده است. تأمل در روایات گذشته و سایر روایات بیانگر آن است که ظاهراً منظور از این سه تعبیر به طور کلی یک چیز است و فقط، تفاوت در تعبیر است. مثلاً در روایت اول برای واقعه روز شنبه و روز عاشورا از واژه «خروج» و در روایت دوم برای روز عاشورا از واژه «قیام» استفاده شده است. در برخی روایات دیگر نیز «قیام» مقید به سال‌های فرد شده است؛ مانند: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: يَقُومُ الْقَائِمُ علیه السلام فِي وَتْرٍ مِنَ السَّنِينَ تِسْعَ وَاحِدَةٍ ثَلَاثِ خَمْسٍ.» (نعمانی، 1397ق، ص 262) یا درباره ظهور آمده است: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: يَا جَابِرُ لَا يَطْهَرُ الْقَائِمُ حَتَّى يَشْمَلَ النَّاسَ بِالسَّامِ فِتْنَةً.» (همان، ص 279)

3. بررسی تطبیقی دو دسته از روایات

روایت بیانگر تحقق ظهور در روز جمعه از جهت تفرد روایت، «شاذ»¹، اما از جهت شهرت آن در افواه مردم، «مشهور»² (به معنای عام) است. اما روایات بیانگر وقوع ظهور در روز شنبه از لحاظ تعدد نقل، «مشهور»² (به معنای خاص) و از نظر تعدد راویان، از

قوت بیشتری برخوردار است. بنابراین، روایات مربوط به امکان وقوع ظهور در روز شنبه، معتبرتر و قوی‌تر از روایات روز جمعه است.

نکته دیگر اینکه شیخ صدوق، روایت روز جمعه را در ذیل عنوان روز جمعه نیاورده است، بلکه ذیل «باب آنچه درباره روز شنبه رسیده» آورده است، آن‌هم جایی که در صدد بیان موضوع علائم و زمان ظهور امام زمان علیه السلام نیست، بلکه در جایی است که در صدد بیان اعمال روزهای هفته است. اما اینکه چرا شیخ صدوق این روایت را در ذیل اعمال روز شنبه آورده؟ شاید بدان سبب است که در این روایت، هر روز هفته به نام یک یا چند تن از معصومین علیهم السلام نامگذاری شده و اولین آن‌ها وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله است که اولین روز هفته به نام آن حضرت نامگذاری شده و جمله «قائم ما در روز جمعه ظهور می‌کند» که در این روایت آمده در حد یک جمله معترضه در متن این روایت است.

وانگهی، شیخ صدوق در کتاب *کمال‌الدین و تمام النعمه* که درباره مسائل مربوط به غیبت امام زمان علیه السلام، آن‌هم با اشاره و ارشاد خود آن حضرت در یک رؤیای صادقه نگاشته است (بن بابویه، 1395ق، ج 1، ص 3)، به این روایت توجه نکرده و به روایت روز شنبه تمسک بسته است. (همان، ج 2، ص 654) بنابراین، تمسک شیخ به روایت بیانگر تحقق ظهور در روز شنبه می‌تواند نظریه روز شنبه را قوت بخشد.

آیت‌الله صافی گلپایگانی نیز در کتاب *منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*، باب «فی سنة خروجه و یومه و شهره» هفت روایت در باب ماه ظهور آورده است؛ از میان این هفت روایت، یک روایت است که هیچ اشاره‌ای به روز ظهور ندارد، اما شش روایت دیگر همگی همان روایاتی است که از روز شنبه مصادف با عاشورا به عنوان روز ظهور یاد شده و روایت دیگری را که بیانگر تحقق ظهور در روز جمعه باشد، در کتاب خویش نیاورده است؛ حتی همان تک روایت شیخ صدوق در *خصال* را. (صافی، 1421ق، ص 574) بر این اساس، می‌توان گفت: اقتضای ایشان به روایات روز شنبه و عدم ذکر روایات روز جمعه نیز مقوی نظریه روز شنبه است.

4. بررسی منابع

در یک تقسیم‌بندی، کتب حدیثی را از نظر پرداختن به موضوع امام زمان علیه السلام به سه

دسته می‌توان تقسیم کرد:

الف. کتب اربعه حدیثی

ب. کتب حدیثی مرتبط با امام زمان علیه السلام

ج. کتب حدیثی غیر مرتبط با امام زمان علیه السلام

در هیچ‌یک از کتب اربعه حدیثی شیعه، اثری از بحث ظهور امام زمان در روز جمعه نیست. در کتب قدیم تدوین شده درباره امام زمان علیه السلام مانند کتاب *کمال الدین* و *تمام النعمه* اثر شیخ صدوق و *الغیبه نعمانی* و *الغیبه طوسی* نیز اثری از ظهور امام زمان در روز جمعه نیست. در کتب حدیثی غیر مرتبط با موضوع امام زمان علیه السلام، تنها یک روایت در خصوص قیام امام زمان علیه السلام در روز جمعه وجود دارد که همان روایت شیخ صدوق در *خصال* است که در ضمن روایتی که جهت صدور آن، نه بیان روز ظهور که تسمیه ایام هفته به نام هریک از معصومین علیهم السلام است، نقل شده است.

این تنها روایتی است که درباره ظهور امام زمان در روز جمعه، در متون حدیثی دست اول دیده می‌شود. جوامع روایی بعد، مانند *وسائل الشیعه*، اثر حر عاملی (متوفی 1104ق) یا *بحار الانوار* علامه مجلسی (متوفی 1110ق) و سایر منابع، روایت جمعه را از همین کتاب نقل کرده‌اند. ولی قول به ظهور امام زمان علیه السلام در روز شنبه، در هر سه دسته از کتب روایی مذکور نقل شده است که در ادامه به بررسی این کتب می‌پردازیم:

الف. کتب اربعه: از میان کتب اربعه، فقط شیخ طوسی در کتاب *تهذیب الاحکام*، روایتی را آورده که بیانگر ظهور امام زمان علیه السلام در روز شنبه است. (طوسی، 1407ق، ج 4، ص 333) اما در سه کتاب دیگر از کتب اربعه، درباره اینکه ظهور در روز جمعه است یا شنبه، چیزی ذکر نشده است. (نصر اصفهانی، اینترنت)

ب. کتب حدیثی مرتبط با امام زمان: پس از شروع غیبت کبرای امام زمان علیه السلام، علمای شیعه برای رفع شبهات مطرح شده درباره امام زمان علیه السلام به جمع‌آوری احادیث مربوط به این موضوع پرداختند و کتبی مستقل را نوشتند. شیخ صدوق (متوفی 381) کتاب *کمال الدین* و *تمام النعمه*، شیخ مفید (متوفی 413) کتاب *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد* و شیخ طوسی (متوفی 460) نیز کتاب *الغیبه* را در این موضوع تألیف کردند. از میان کتاب‌های نویسندگان معاصر هم به منتخب *الایثار* آیت‌الله صافی

گلیپایگانی که از معتبرترین آن‌هاست، می‌توان اشاره کرد. در تمام این کتاب‌ها تصریح شده است که شنبه روز ظهور است. (ابن بابویه، 1395ق، ج 2، ص 654/ شیخ مفید، 1413ق، ج 2، ص 379/ صافی، 1421ق، ص 574)

ج. کتب حدیثی غیر مرتبط با امام زمان علیه السلام: این کتب را به سه دسته می‌توان تقسیم کرد:

1. کتبی که فقط روایت روز جمعه را نقل کرده‌اند؛ در این دسته فقط یک کتاب وجود دارد و آن کتاب *روضة الواعظین* اثر فتال نیشابوری (متوفی 503ق) است. این کتاب روایتی همانند روایت صدوق را البته به صورت مرفوع نقل کرده است. (فتال نیشابوری، 1375ش، ج 2، ص 392)

2. کتبی که فقط روایت روز شنبه را نقل کرده‌اند؛ تعداد کتب این دسته، یازده کتاب از نه شخصیت است که عبارت‌اند از: تاج الموالید (1422ق [ب]، ص 115) و إعلام الوری بأعلام الهدی (1422ق [الف]، ص 459) تألیف طبرسی (متوفی 548ق)، العدد القویة (1408ق، ص 65) اثر رضی الدین حلّی برادر علامه حلّی (متوفی 703ق)، وافی (1406ق، ج 2، ص 463) اثر مرحوم فیض کاشانی (متوفی 1091ق)، حلیة الأبرار (1411ق، ج 6، ص 297) اثر سید هاشم بحرانی (متوفی 1107ق)، ملاذ الأخبار (1406ق، ج 7، ص 174) اثر علامه مجلسی صاحب بحار الانوار، ریاض الأبرار (1427ق، ج 3، ص 179) اثر نعمت‌الله جزائری (متوفی 1112ق)، اخبار الدول (بی تا، ج 1، ص 354) اثر احمد بن یوسف قرمانی، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان (1399ق، ص 576) اثر متقی هندی (متوفی 975ق)، کشف الغمة فی معرفة الأئمة (1405ق، ج 2، ص 462) اثر علی بن عیسی اربلی (متوفی 693ق) و کشف الاستار عن وجه الغائب عن الابصار (بی تا، ص 223) تألیف میرزا حسین نوری (متوفی 1320ق).

3. کتبی که هم روایات روز جمعه و هم روایات روز شنبه را نقل کرده‌اند؛ در این دسته سه کتاب از دو شخصیت می‌گنجد: وسائل الشیعة (حر عاملی، 1409ق، ج 13، ص 248 و ج 7، ص 381) و إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات (همان، 1425ق، ج 5، ص 67 و 113) و بحار الانوار. (مجلسی، 1403ق، ج 45، ص 87 و ج 7، ص 59)

با یک نگاه اجمالی و کلی ملاحظه می‌شود که روایات روز شنبه در مجموع، در

هیجده کتاب و روایت روز جمعه در دو کتاب نقل شده است و چهار کتاب، هم روایت روز جمعه و هم روایات روز شنبه را ذکر کرده‌اند.

از منظر دیگری نیز مسئله قابل توجه است؛ از میان مجموعاً نوزده شخصیت نویسنده کتب فوق، پانزده نفر فقط روایات روز شنبه، یک نفر فقط روایت روز جمعه و سه نفر هر دو دسته از روایات را ذکر کرده‌اند.

بنابراین چنان‌که ملاحظه می‌شود بر طبق روایات نقل شده از جانب ائمه اطهار (علیهم‌السلام)، قول تحقق ظهور در روز شنبه از قوت بیشتری برخوردار است و در میان علما طرفداران بیشتری دارد.

5. منشأ قول به ظهور در روز جمعه و شهرت آن

براساس بررسی‌های انجام‌شده، اولین کسی که قائل به ظهور امام زمان (علیه‌السلام) در روز جمعه شد، شیخ صدوق و پس از او سید بن طاووس (متوفی 664ق) است. وی در کتاب *جمال الاسبوع* در عنوان منتخب برای زیارت امام زمان (علیه‌السلام) در روز جمعه می‌نویسد: «روز جمعه روز حضرت صاحب الزمان (علیه‌السلام) است و همان روزی است که در آن روز ظهور خواهد کرد.» (ابن طاووس، 1330ق، ص 38) پس از وی، علامه مجلسی در *بحار الانوار* (1403ق، ج 99، ص 215) و در سده اخیر حاج شیخ عباس قمی در *مفاتیح الجنان* (1376ش، ص 104) عین همین مطلب را با زیارت آن حضرت در روز جمعه ذکر کرده‌اند. سؤال مطرح این است که ذهنیت ظهور امام زمان (علیه‌السلام) در روز جمعه از کجا شکل گرفته و چه عواملی در شکل‌گیری آن مؤثر بوده است؟ در پاسخ، عوامل و زمینه‌های شکل‌گیری چنین ذهنیتی را در چند امر می‌توان خلاصه کرد:

1. انتساب روز جمعه به امام زمان (علیه‌السلام)

براساس روایتی که شیخ صدوق در کتاب *خصال* از امام هادی (علیه‌السلام) در تفسیر روایت نبوی «لا تعادوا الایام فتعادیکم» نقل کرده بود و در صدر مقاله گذشت، آن حضرت بیان کردند که «منظور از ایام ما هستیم؛ شنبه اسم رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و یکشنبه کنایه از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) تا آنکه فرمود: جمعه اسم فرزند فرزند من [مهدی] است.» (ابن بابویه، 1362ش، ج 2، ص 395) براساس این روایت، روز جمعه به اسم امام زمان (علیه‌السلام) نامیده شده است. در سند این روایت محمد بن موسی بن متوکل و علی بن ابراهیم بن هاشم

وجود دارند که هر دو ثقه‌اند. (حلی، 1411ق، ص 150 و 101) اما هویت عبدالله بن احمد موصلی و صقر بن ابی ذئف کرخی مشخص نیست و در کتب رجالی، این دو نفر توثیق نشده‌اند. بنابراین، روایت مذکور ضعیف است. به هر حال گمان می‌رود در گذر ایام روز جمعه به عنوان «روز امام زمان» که برگرفته از همین روایت است، کم‌کم جای خود را در اذهان مشتاقان ظهور به «روز ظهور امام زمان» سپرده باشد.

2. تولد امام زمان علیه السلام در روز جمعه

ممکن است نامیده شدن روز جمعه به «روز امام زمان» بدان سبب بوده باشد که تولد آن حضرت در این روز واقع شده است. (ابن بابویه، 1395ق، ج 2 ص 433) لذا احتمال دارد که شهرت اختصاص روز جمعه به امام زمان علیه السلام نه به دلیل ظهور امام زمان در این روز، بلکه به دلیل تولد ایشان در روز جمعه باشد.

3. ورود دعای ندبه در روز جمعه

دعای ندبه نجوای منتظران و دلدادگان با امام زمان خویش و گریستن بر فراق و هجران اوست. خواندن این دعا در چهار عید فطر، قربان، غدیر و روز جمعه وارد شده است. (مجلسی، 1403ق، ج 99، ص 104) استحباب خواندن این دعا در روز جمعه مخصوصاً با توجه به محتوای آن که ظهور آن حضرت با تعبیرات مختلف از خدا درخواست می‌شود، ممکن این ذهنیت را به وجود آورده باشد که روز جمعه روز ظهور آن حضرت است.

در پایان، این نکته را نباید از نظر دور داشت که بعد از شیخ صدوق و سید بن طاووس، علامه مجلسی صاحب بحار الانوار و حاج شیخ عباس قمی صاحب مفاتیح الجنان، بیشترین نقش را در اشاعه تفکر «جمعه، روز ظهور امام زمان علیه السلام» داشته‌اند. مخصوصاً نقش مفاتیح الجنان به دلیل توجه عام و خاص به آن، از همه بیشتر و پررنگ‌تر است.

6. جمع میان روایت روز جمعه و روایات روز شنبه

از مجموع بررسی دو دسته از روایات، این نتیجه حاصل می‌شود که علی‌رغم مشهور بودن ظهور در روز جمعه، امکان تحقق ظهور در روز شنبه‌ای که مصادف با روز عاشوراست، از اعتبار بیشتری برخوردار است. با وجود این، براساس برخی شواهد و

قراین می‌توان میان این دو دسته از روایات را به گونه‌ای جمع کرد. چگونگی جمع بین این دو دسته از روایات این‌گونه است که ظهور امام زمان علیه السلام در دو مرحله انجام می‌شود: یک مرحله ظهور برای خواص یاران آن حضرت، یعنی همان 313 نفر است که احتمالاً در روز جمعه، در کوه ذی طوی که در اطراف مکه است، اتفاق می‌افتد و در مرحله دوم، ظهور برای عموم مردم عالم که در روز شنبه است. در این زمینه، علامه مجلسی در بحار الانوار در حدیث مرفوعی از امام زین العابدین علیه السلام در ضمن یک خبر طولانی آورده است که آن حضرت فرمود:

پس [قائم علیه السلام] زیر درخت سمره (کنار یا سدر) می‌نشیند. جبرئیل در هیئت مردی از [بنی] کلب نزد او می‌آید و می‌گوید: ای بنده خدا! چه چیز تو را به نشستن در اینجا واداشته است؟ [قائم علیه السلام] گوید: منتظرم زمان عشاء فرارسد تا در پی آن به سمت مکه خارج شوم. من از اینکه در این گرما خارج شوم، کراحت دارم. [جبرئیل] می‌خندد. پس چون بخندد، او را می‌شناسد که جبرئیل است. [جبرئیل] دست آن حضرت را می‌گیرد و با او مصافحه می‌کند و بر او سلام می‌نماید و درحالی که اسبی به نام براق برایش می‌آورد، به او می‌گوید: برخیز! پس سوار بر آن اسب می‌شود و به سوی کوه رَضوی می‌آید... سپس به سوی مکه خارج می‌شود، درحالی که مردم بر گرد آن حضرت اجتماع می‌کنند. پس، مردی از [یاران] آن حضرت برمی‌خیزد و ندا می‌کند: ای مردم! این [شخص] خواسته شماست که نزد شما آمده و شما را به همان چیزی دعوت می‌کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله شما را به آن دعوت می‌کرد. [مردم] برمی‌خیزند. پس خود امام شخصاً به پا می‌خیزد و می‌گوید: ای مردم! من فلان فرزند فلان هستم. من فرزند پیامبر خدایم. شما را به همان چیزی دعوت می‌کنم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شما را به آن دعوت می‌کرد. پس مردم به سوی او هجوم می‌آورند تا به قتلش برسانند. در این حال سیصد نفر که [البته] اندکی افزون بر سیصد تن هستند، برمی‌خیزند و آن حضرت را [از گزند آن مردم] مانع می‌شوند. (مجلسی، 1403ق، ج 52، ص 306)

و نیز در حدیث دیگری امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «قائم علیه السلام به اصحابش می‌گوید: ای قوم من! همانا اهل مکه مرا نمی‌خواهند، ولی من کسی را به سوی آنها می‌فرستم تا بر آنان احتجاج کنم به نحوی که شایسته فردی مثل من است تا آن

شخص بر آن‌ها احتجاج کند. پس مردی از اصحاب خود را فرامی‌خواند و به او می‌گوید: به سوی اهل مکه برو و بگو: ای اهل مکه من فرستادهٔ فلانی به سوی شما هستم که سخنش با شما این است: ما اهل بیت رحمت و معدن رسالت و خلافتیم... پس چون آن جوان، این سخنان را گوید [مردم] بر او هجوم می‌آورند و بین رکن و مقام، سر از تنش جدا می‌کنند و او همان «نفس زکیه» است. چون خبر این واقعه به امام می‌رسد، به اصحابش می‌گوید: به شما نگفتم که اهل مکه ما را نمی‌خواهند؟ پس آنان امام را تنها نمی‌گذارند تا اینکه از گردنهٔ کوه طوی با 313 مرد به تعداد رزمندگان جنگ بدر، فرود می‌آید و وارد مسجدالحرام می‌شود و در مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز می‌خواند و به حجرالاسود تکیه می‌زند و پس از حمد و ثنای خدا و یاد و نام پیامبر صلی الله علیه و آله و درود بر او، لب به سخن می‌گشاید به گونه‌ای که هیچ‌یک از مردم، چنان سخن نگفته باشد. پس اولین کسانی که با او بیعت می‌کنند، جبرئیل و میکائیل هستند. سپس آن سیصد نفر و تعداد اندکی از مردم مکه با او بیعت می‌کنند. (همان، ص 307)

دربارهٔ زمان ورود سیصد و سیزده نفر یاران امام به مکه، از امام صادق علیه السلام روایت شده است: «پس اینان سیصد و سیزده نفر هستند که خداوند عز و جل در یک شب که شب جمعه است آن‌ها را در مکه گرد می‌آورد و در همان مکه در بیت الله الحرام، شب را صبح می‌کنند.» (ابن طاووس، 1416ق، ص 378)

و دربارهٔ زمان ورود امام به مکه و مسجدالحرام نیز از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «آنگاه مهدی علیه السلام در هنگام عشاء ظاهر می‌شود... و چون نماز عشاء را به جا آورد، با صدای بلند گوید: ای مردم، خدا را و آن لحظه‌ای را که در برابر پروردگارتان خواهید ایستاد، به یاد شما می‌آورم...» (همان، ص 137)

حاصل مجموع این روایات این است که یاران خاص امام، یعنی همان 313 نفر معهود، در شب جمعه وارد مکه می‌شوند و شب را در آنجا صبح می‌کنند. روز جمعه در کوه ذی طوی به خدمت امام علیه السلام می‌رسند. در آنجا حضرت برایشان از اینکه مردم مکه او را نمی‌خواهند، سخن می‌گوید و برای اتمام حجت، جوانی پاک را که در روایات به «نفس زکیه» معروف است از میان یاران خود به سوی مردم مکه می‌فرستد

تا مردم مکه را به یاری آن حضرت فراخواند. اما مردم مکه [که ظاهراً مأمورین حکومتی حجاز باشند] او را به شهادت می‌رسانند. امام که از شهادت نفس زکیه مطلع می‌شوند، در بعدازظهر روز جمعه در میان آن 313 نفر به سمت مکه حرکت می‌کنند و در هنگام عشا وارد مسجدالحرام می‌شوند و نماز عشا را پشت مقام ابراهیم علیه السلام می‌خوانند. پس از نماز عشا، نماینده امام، آن حضرت را به مردم حاضر در مسجدالحرام معرفی و برنامه دعوتش را به آن‌ها اعلام می‌کند. پس از آن، خود امام برمی‌خیزند و به سخنرانی می‌پردازند. پس از سخنان امام، ابتدا جبرئیل و میکائیل و سپس آن 313 نفر و نیز تعداد اندکی از مردم حاضر در مسجدالحرام با آن حضرت بیعت می‌کنند؛ در واقع ظهور رسمی بعد از نماز عشای شب شنبه آغاز می‌گردد،³ آنگاه در روز بعد که روز شنبه و مصادف با عاشوراست، سخنرانی عمومی خود را برای مردم سراسر جهان آغاز می‌کنند و پرده از نقاب غیبت برمی‌گیرد و عالم را به نور جمال خویش منور می‌سازند.

بنابراین، آن ظهوری که مردم انتظار آن را می‌کشند و در دعاهای ندبه خود با زبان «متی ترانا و نراک» با آن حضرت به نجوا می‌پردازند، در روز شنبه اتفاق می‌افتد نه جمعه.

7. فایده دانستن روز ظهور

ممکن برای برخی این سؤال پیش بیاید که دانستن اینکه امام زمان علیه السلام در جمعه ظهور خواهند کرد یا شنبه یا یک روز دیگر از ایام هفته، چه فایده‌ای دارد؟

در پاسخ باید گفت اگر اعتقاد قاطع این باشد که واقعه ظهور به طور حتم در روز جمعه اتفاق می‌افتد، ولی عملاً در روز شنبه یا هر روز دیگری غیر از جمعه واقع شود، آیا این امکان وجود ندارد که عده‌ای از منتظران ظهور و عاشقان امام زمان علیه السلام با این استدلال که حضرت در روز جمعه ظهور می‌کنند نه روزی دیگر، دچار بلا تکلیفی، تحیر و تردید شوند و چه بسا کار به انکار اصل ظهور آن حضرت بینجامد و در نتیجه فرایند ظهور با اشکال مواجه گردد؟ مخصوصاً با وجود این مدعیان دروغین مهدویت که جامعه تشیع، شاهد ظهور گاه و بیگاه آن‌هاست، چنین موضع‌گیری و مقاومتی چندان دور از انتظار نیست.

نتیجه‌گیری

با وجود شهرت این باور که «جمعه، روز ظهور امام زمان علیه السلام» است، تنها یک روایت و یک دعا که صدور آن از معصوم علیه السلام مورد تردید است، در این باره وارد شده است. اما از آن سو، چندین روایت با سند نسبتاً معتبر وجود دارد که شنبه را روز ظهور معرفی کرده‌اند.

«انتساب روز جمعه به امام زمان علیه السلام» در پاره‌ای از روایات، «تولد امام زمان در روز جمعه» و «ورود دعای ندبه در این روز»، از عوامل مهمی است که موجب تقویت و شهرت ذهنیت ظهور در روز جمعه شده است. در این میان، از نقش دو کتاب بحار الانوار و مفتاح الجنان در گسترش این ذهنیت نمی‌توان چشم پوشید.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد احتمالاً ظهور امام زمان در دو مرحله انجام می‌گیرد: مرحله اول ظهور برای خواص یاران آن حضرت، یعنی همان 313 نفر است که در روز جمعه صورت می‌پذیرد و مرحله دوم برای عموم مردم عالم است که احتمالاً در روز شنبه می‌باشد. اگر مشتاقان ظهور، منتظر وقوع ظهور در روز جمعه باشند، اما امام علیه السلام در روز شنبه ظهور کنند، ممکن است عده‌ای ظهور را باور نکنند و روند ظهور با مشکل مواجه شود؛ لذا در کنار پرداختن به روز جمعه، از معرفی روز شنبه به عنوان روز ظهور - حداقل در حد یک احتمال - نباید غافل بود.

پی‌نوشت‌ها:

1. منظور از مشهور به معنای عام، مشهور مصطلح در میان مردم عادی است.
2. منظور از مشهور به معنای خاص، مشهور مصطلح در میان محدثان است. بر این اساس، روایت مشهور روایتی است که بین علما و راویان و مؤلفان مشهور است؛ اگرچه سند آن در هر طبقه، یک نفر باشد یا سندی برای آن ذکر نشده باشد. (ربانی، 1389ش، ص 113)
3. ظهور امام در شب شنبه با احادیث و روایاتی که بیانگر ظهور امام علیه السلام در روز شنبه است، منافاتی ندارد، زیرا ماه‌های قمری با شب شروع می‌شوند و شب جزئی از روز بعد است و در عرف هم این‌گونه است. از نظر فقهی نیز فقها در بحث «راه‌های ثابت شدن اول ماه»، رؤیت هلال را یکی از راه‌های اثبات اول ماه می‌دانند. به عبارت دیگر، رؤیت هلال نشانه پایان ماه قبل و شروع ماه جدید است و آن شب را شب اول ماه می‌گویند نه شب آخر ماه. مثلاً اگر در غروب بیست‌ونهم ماه

رمضان، هلال ماه رؤیت شود، از نظر فقهی ماه رمضان پایان یافته و ماه شوال شروع شده است. (حمینی، 1379ش، ج 1، ص 278) از این روست که اگر کودکی در آن شب متولد یا کافری مسلمان شود، زکات فطره به او تعلق نمی‌گیرد، چون به فرموده امام صادق علیه السلام ماه رمضان تمام شده است (طوسی، 1407ق، ج 4، ص 72) و فقها نیز بر آن فتوا داده‌اند. (همان، ج 2، ص 67)

منابع

1. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، خصال، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ج 1، قم: جامعه مدرسین، 1362ش.
2. _____، کمال‌الدین و تمام النعمه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج 2، تهران: انتشارات اسلامی، 1395ق.
3. _____، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، ج 2، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه، 1413ق.
4. ابن داود، حسن بن علی، رجال ابن داود، ج 1، تهران: دانشگاه تهران، 1342ش.
5. ابن طاووس، علی بن موسی، جمال الأسبوع بکمال العمل المشروع، ج 1، قم: دار الرضی، 1330ق.
6. _____، الاقبال بالأعمال الحسنة، تحقیق قیومی جواد اصفهانی، ج 1، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، 1376ش.
7. _____، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ج 1، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، 1409ق.
8. _____، التشریف بالمنز فی التعریف بالفتن، تحقیق مؤسسة صاحب الأمر، ج 1، قم: مؤسسة صاحب الأمر علیه السلام، 1416ق.
9. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، ج 2، قم: دار الکتب الاسلامیة، 1371ق.
10. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة فی معرفة الأئمة، ج 2، بیروت: دار الاضواء، 1405ق.
11. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، حلیة الأبرار فی أحوال محمّد و آله الأطهار علیهم السلام، ج 1، قم: مؤسسة المعارف الاسلامیة، 1411ق.
12. جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله، ریاض الأبرار فی مناقب الأئمة الأطهار، ج 1، بیروت: مؤسسة التاریخ العربی، 1427ق.
13. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج 1، قم: مؤسسة آل البيت علیهم السلام، 1409ق.
14. _____، إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، ج 1، بیروت: اعلمی، 1425ق.
15. حلّی، حسن بن یوسف، رجال علامه حلّی، تصحیح محمدصادق بحر العلوم، ج 2، نجف اشرف: دار الذخائر، 1411ق.

16. حلی، رضی‌الدین علی بن یوسف بن المطهر، العدد القویة لدفع المخاوف اليومية، ج 1، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، 1408ق.
17. خراسانی، محمد جواد، مهدی منتظر علیه السلام، ج 14، قم: دار الاصفیا، 1383ش.
18. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ترجمه علی اسلامی، ج 18، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1379ش.
19. خویی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، قم: مرکز نشر آثار شیعه، 1410ق.
20. ربانی، محمدحسن، دانش درایة الحدیث، ج 6، مشهد: دانشگاه علوم رضوی، 1389ش.
21. السادة، مجتبی، الفجر المقدس المهدي ﷺ و ارهاصات اليوم الموعود (شش ماه پایانی)، ترجمه محمود مطهری‌نیا، ج 6، تهران: موعود عصر، 1388ش.
22. صافی گلپایگانی، لطف‌الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، ج 2، قم: مؤسسه حضرت معصومه علیها السلام، 1421ق.
23. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - القديمة)، ج 3، تهران: اسلامیة، 1390ق [الف].
24. _____، تاج الموالد، ج 1، بیروت: دار القاری، 1422ق.
25. _____، تاج الموالد، ج 1، بیروت: دار القاری، 1422ق [ب].
26. طوسی، محمد بن حسن، فهرست کتب الشیعة و أصولهم و أسماء المصنّفین و أصحاب الأصول، ج 1، قم: ستاره، 1420ق.
27. _____، کتاب الغیبة للحجة، تصحیح عبدالله تهرانی و علی احمد ناصح، ج 1، قم: دار المعارف الاسلامیة، 1411ق.
28. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تصحیح حسن الموسوی، ج 4، تهران: دار الکتب الاسلامیة، 1407ق.
29. _____، رجال طوسی، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، ج 3، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1373ش.
30. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط - القديمة)، ج 1، قم: انتشارات رضی، 1375ش.
31. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، ج 1، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام، 1406ق.
32. قرمانی، احمد بن یوسف، اخبار الدول و آثار الاول فی التاریخ، تحقیق احمد حطیط و فهمی سعد، بیروت: عالم الکتب، بی تا.
33. قمی، حاج شیخ عباس، کلیات مفاتیح الجنان، ج 9، مشهد: هاتف، 1376ش.
34. کشی، محمد بن عمر، اختیار الرجال، انتشارات دانشگاه مشهد، 1348ش.

132 □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال هفتم، شماره سیزدهم، بهار و تابستان 1394

35. کورانی، علی، عصر ظهور، ترجمه عباس جلالی، چ3، بی جا: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی، 1379ش.
36. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: رضوان، 1399ق.
37. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، چ2، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
38. _____، ملاذ الأخیار فی فهم تہذیب الأخبار، چ1، قم: کتابخانہ آیت اللہ مرعشی نجفی، 1406ق.
39. مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفۃ حجج اللہ علی العباد، تصحیح مؤسسۃ آل البیت (علیہ السلام)، چ1، قم: کنگرہ شیخ مفید، 1413ق.
40. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، چ6، قم: مؤسسہ انتشارات اسلامی وابستہ بہ جامعہ مدرسین حوزہ علمیہ قم، 1365ش.
41. نصر اصفہانی، اینترنت، ظهور امام دوازدهم (www.m-nasr.com).
42. نعمانی، محمد بن ابراہیم، الغیبۃ (للعمانی)، تصحیح علی اکبر غفاری، چ1، تهران: نشر صدوق، 1397ق.
43. نوری، حسین بن محمدتقی، کشف الأستار عن وجہ الغائب عن الأبصار، تهران: مکتبہ نینوا، بی تا.